



۳۲

نقش برنامه ریزی  
در  
طرح و ساختن آینده

نوشته : شیرزاد





نقش برنامه ریزی  
در  
طرح و ساختن آینده

کتابخانه ملی ایران

مذاهب اسلامی



صفحه	فهرست	
۵		مقدمه
۷		۱- انسان و اسلام
۹		هدف جوئی
۱۱		اختیار
۱۲		خلافت
۱۷		استعداد ( دانستن و فهمیدن و هوش )
۲۳		۲- طرح و ساختن آینده ( برنامه ریزی )
۲۴		عوارض و مسائل ناشی از بی برنامه گی
۲۹		فلسفه برنامه ریزی
۳۶		مراحل برنامه ریزی
۴۲		۳- تلاش موحد در جهت نیل بجامعه توحیدی
		نظری ب مشخصات برنامه ریزی موحد در راه
		ساختن جامعه توحیدی





## بنام خدا

### مقدمه

جنبش‌های اسلامی اکثر در مبارزات خود، با وجودیکه از نذل جان و مال دریغ نکرده اند، معدالک به "ذهنیگرایی" پرداخته و مسائل را ساده تر از آنچه واقعیت بوده است تصور نموده و نیل به هدف‌ها را راحت تر از آنچه تجربه نشان داده است پنداشته اند. اعمال عجولانه‌ای که بعد از اساسی "صبر" را در فراهم آوردن تغییر و تکامل در نظر نگرفته از مشخصات بسیاری از این جنبش‌ها می‌باشد. علاوه بر این رسیدن به هدف را بصورت جهشی تصور می‌کرده اند که طی آن نظام اجتماعی شبانه دچار انقلاب بنیانی گردیده، همه روابط حاکم بر جامعه زیرورو میشوند، و از صبحگاه روز بعد همه چیز بر وفق مراد و مطابق با معیارهای اسلامی انجام می‌پذیرد و پس از حصول هدف مورد نظر، امنیت و آسایش و ثروت و قدرت بطور عادلانه در اختیار همه قرار می‌گیرد، و از آن پس دیگر مسئله‌ای نیست و اگر هم باشد مسائل معمولی زندگی است و عاملی که جهان را دچار انحراف اساسی سازد وجود نخواهد داشت!!

در این جنبش‌ها معمولاً با تعریفی از هدف‌های اساسی، بدون در نظر گرفتن وسائل، منابع و مراحل واسطه‌ای که فقط پس از طی آنها به هدف‌های اساسی می‌توان نزدیک شد، اقداماتی صورت گرفته و می‌گیرد که هر چند هر کدام به تنهایی مفید و قابل ستایش به نظر می‌رسد، ولی نقش هر کدام در یک سیستم متشکل از اعمال لازم و کافی برای نیل به

هدف‌ها، مشخص نبوده و نیست.

معیارهای ارزیابی کل جنبش، و اجزاء تشکیل دهنده آن (گروه‌ها و سازمانها و افراد) تعریف نشده و در نتیجه معمولاً اقدامات افراد یا سازمان‌های تشکیل دهنده اثر را نمیتوان بطور دقیق ارزیابی کرد. در نتیجه بسیاری از این جنبش‌ها پس از مدتی فعالیت به شعاهائی متوسل میگردد که محتوی آن‌ها دقیقاً بیان نشده و به خوبی توسط اجزاء جنبش فعالین و توده‌ها درک نمیکرد و در نتیجه بتدریج قدرت جذب و رشد خود را از دست میدهند.

بطور کلی مسئله‌ی مورد نظر را میتوان بصورت زیر خلاصه کرد.

- ۱ - تصورات از تغییر اجتماع به صورت جهش.
  - ۲ - فقدان برنامه همه جانبه که هدفها، وسائل، منابع، و راهها رسیدن به آنها را بصورت یک سیستم به هم مرتبط مورد بررسی و عمل دائمی قرار دهد.
  - ۳ - نداشتن معیارهای صحیح و روشن برای ارزیابی فعالیتهای جنبش در راه تکامل و پیشرفت آن.
- هدف از این مقاله این است که نشان دهد برنامه ریزی و تهیه نقشه متناسب با زمان، در بطن فلسفه اجتماعی اسلام قرار دارد و هم زندگی خصوصی و هم زندگی اجتماعی مسلمانان و هم مبارزات آنها باید بر اساس برنامه‌هایی که دائماً آگاهانه طراحی و ارزیابی میشود، تکامل یابند.



بدین منظور ابتدا خصوصیات عمده انسان که باعث توانائی او در برنامه ریزی و ساختن دنیای مطلوبش میشود را مطرح میسازیم ، و اینکه انسان با این خصوصیات نمیتواند بدون برنامه حرکت کند یا حرکتی سازنده و خلاق داشته باشد . در زندگی اجتماعی خود اشاره میکنیم و نشان میدهم چگونه از طریق یک جریان برنامه ریزی دائمی حرکت به طرف جامعه ایده آل توحیدی امکان پذیر است ، در ضمن هماهنگی بین بینش اسلامی و برنامه ریزی بررسی و نتایج خواهد شد .

### ۱ - انسان اسلام

نظرا سلام درباره انسان به تفضیل توسط محققین مورد مطالعه قرار گرفته است (۱) . در اینجا فقط بذکر آیهاتی که بنظیرسد با موضوع اصلی مقاله ، ارتباط مستقیم تری دارد میپردازیم ، و معانی خاصی از آنها را که مربوط به برنامه ریزی میشود را مورد توجه بیشتر قرار میدهم :

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً قَالُوْۤا اَتَجْعَلُ فِيْهَا مَنۢ يُفْسِدُ فِيْهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّيْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ . (سوره بقره آیه ۳۰)

و هنگامیکه پروردگارت به فرشتگان گفت " روی زمین جانشینی خلق خواهم کرد آنها گفتند " آیا در زمین جانشینی منصوب میکنی که در آن فساد نمایند ؟ " در حالیکه ما ترا تسبیح میگوئیم و شکر ت را به جای آوریم و ترا بزرگ داریم " او گفت : " چیزی میدانم که شما نمیدانید " .

(۱) رجوع کنید به بینهایت کوچکها - مهندس بازرگان - شرکت سهامی انتشار انسان و اسلام - دکتر شریعتی - حسینیه ارشاد .



إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا  
 وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (سوره احزاب ۷۲)

ما بر آسمانها وزمین "امانت" راعرضه کردیم زیر بار آن نرفتند و بر  
 آنها گران آمد ولی انسان زیر بار آن رفت حقا که انسان بسیار بی اطلاع  
 و ستم کننده بر خود بود .

دو آیه فوق تاحدودی رفع نیاز ما را به لحاظ بحث حاضر مینماید .  
 آیه اول میگوید انسان جانشین خداوند روی زمین است و طبیعی است  
 که جانشین خداوند دارای صفات و قدرت او باشد . منتها در مقیاس  
 کوچکتری که مربوط و محدود به کره زمین و طبیعت میشود . آیه دوم می  
 گوید چیزی بنام امانت وجود داشته است که آسمانها و زمین زیر بار  
 قبول آن نرفته اند ، ولی انسان آنرا پذیرفته است و این بدین معنا  
 است که انسان در جهان دارای موقعیت و مسئولیت منحصر فردی است  
 آیه اول میگوید صفات انسان چیست و آیه دوم آنرا به عنوان یک موجود  
 منحصر فرد خلقت معرفی میکند .

از صفات خداوند علم ، رحمت ، قدرت ، کرم ، زیبایی و بزرگی  
 و خلاقیت میباشد . در جهان بینی توحیدی استعداد کسب این صفات  
 بانسان نسبت داده شده است . و تجربه تاریخ هم وجود این استعداد  
 ها را در انسان بوضوح نشان داده است . انسان تاریخ و اجتماع خویش  
 را بستر زمان ساخته است و بانیروی آگاهی و علم قادر به غلبه بر نیروهای  
 طبیعت گردیده و با فهمیدن روابط و قواعد بین پدیده ها توانسته است

آنها را برای ارضاء آرزوها و خواسته‌هایی زیرسلطه خود درآورد . و بدین لحاظ قرآن قلمرو جولان انسان را نهایتاً آسمانها و زمین تا مرزهای بینهایت دانسته است .

در مورد امانت ، یعنی آنچه‌ای که منحصر ب انسان است ، یا مقایسه با سایر مخلوقات و اجزاء جهان هستی مشاهده میکنیم که همگی پدیده‌های هستی مطابق با قوانین معینی در حرکت اند . اما جهان بینی توحید معتقد است که انسان هم بعنوان جزئی از کل هستی نمیتواند ساکن و بی حرکت باشد . اما فقط انسان است که بالا جبار دارای اختیار برای متابعت یا عدم متابعت نسبی از قوانین هستی است .

موضوع اختیار ، صفات و نقش انسان در جهان از دیدگاه اسلام بطور جامع و زیبا ، توسط محققین ، خصوصاً در سالهای اخیر بیان شده است . آنچه باید در اینجا تاکید کنیم تعریف دقیق تر و با اصطلاح علمی و عملی بعضی از این خصوصیات است که به موضوع برنامه ریزی مربوط میگردد .

مقدمت صفات هدف جوئی ، اختیار ، خلاقیت ، هوشیاری ( زیرکسی ) و دانش ، که قرآن برای انسان قائل است را نیلا تعریف میکنیم .

#### ۱- اهداف جوئی

(۱) هم رفتار و هم حالات روانی آدمی دلالت بر وجود مقصود و هدف دارد . موضوع مقصود و هدف هر چند در محافل علمی مورد احترام نبود ولی طی

(۱) رجوع کنید به ، هدف و هدفداری - ترجمه و تنظیم از دکتر عباس شیبانی



دهه های اخیر، باید ایشر علم سایبرنتیکس CYBERNETICS از اعتبار لازم برخوردار شده است. سایبرنتیکس استفاده از مفاهیمی همچون مقصود PURPOSE را در توضیح رفتار ماشین هائی که بر اساس مکانیزم فیدبک FEEDBACK کار میکنند، لازم و مفید دانست. هر چند تعاریفی که این رشته جدید علمی برای مقصود و هدف داری، ارائه داد، امروزه کاملاً مورد قبول نیست، لکن باعث شده که محققین دانش سیستم ها موضوع هدف و هدف داری را بطور علمی مورد بررسی قرار داده و نتیجتاً برای انسان و نظام اجتماعی طبقه و جایگاه ویژه ای را اختصاص دهند. خصوصیت اعضا، این طبقه از سیستم ها با مقایسه با سایر سیستمهای هدف دار (همچون گیاهان حیوانات و بسیاری آزمایشهای پیشرفته بر اساس مکانیزم باز خور FEEDBACK کار میکنند) اینست که نه تنها هدف را انتخاب میکنند، بلکه وسیله نیل به هدف را نیز دارا میباشند اینگونه سیستمها در تحت شرایط ثابت "ولی مشخص" میتوانند از طرق متفاوت، هدف ثابتی را تعقیب نمایند، و یا اینکه میتوانند در شرایط ثابت یا مختلف محیطی، هدفهای مختلف را دنبال کنند. عبارت دیگر اینگونه سیستم تاحدود بسیار زیادی میتوانند مستقل از محیطه رفتار و اعمال خود را انتخاب و تنظیم کنند. در بن تعریف اینگونه سیستم، مفهوم و تعریف اختیار و انتخاب نیز وجود دارد. و از آنجا که اینگونه تعریف از مقصود و اختیار قابل مشاهده و تجربه است مبنای علمی نیز داشته و از تائید محققین و محافل علمی نیز برخوردار است.



## ۱-۲ اختیار

اختیار و مقصود و مفهوم مرتبط هستند که یکی بدون دیگری بی‌معنی است. هر کدام از این دو مفهوم را میتوان بر حسب دیگری تعریف کرد. با توجه به تعریفی که از هدف جوئی به بعمل آمد اختیار را میتوان به صورت زیر تعریف نمود:

در صورتیکه سیستمی بتواند تحت شرایط محیطی ثابت، هدفهای مختلفی دنبال کند، و یا اینکه در شرایط مختلف محیطی هدف ثابتی را تعقیب کند و یا اینکه در شرایط مختلف محیطی، هدفهای متفاوتی را دنبال کند و بطور کلی در هر یک از حالات فوق، هدف مورد نظر را بتواند از طرق مختلف تعقیب کند آنرا میتوان صاحب اختیار نامید.

بر اساس تعریف فوق اگر سیستمی در تحت شرایط ثابت همیشه یک رفتار و عمل خاصی از خود نشان دهد، آن عمل را نمیتوان ناشی از اختیار دانست، بلکه آنرا باید عملی بر اساس عادت تلقی کرد.

هر چند که اختیاریک حالت نفسانی و روانی است که باطناً قابل احساس میباشد، معهد از آنجائیکه ما یلیم تا حد ممکن بحث حاضر را مطابق با معیارهای علمی ادامه دهیم، باید قبول کنیم که وجود اختیار آن موقع قابل قبول است که خود را بر محیط تحمیل کند و بر قسمتی از جهتی هستی تأثیری وارد سازد و بدین ترتیب است که میتوان با مشاهده اعمال چنین فرد با سیستمی به وجود اختیاری برد.

## ۳-۱ خلاقیت

صفت خلاقیت و ابتکار، هم به پاره ای اعمال، وهم به حاصل آنها اطلاق میشود. برای اینکه عمل یا موضوعی ناشی از ابتکار و خلاقیت تصور گردد، باید بی سابقه و نو ظهور باشد و بطور کلی باید با هیچگونه مدل ذهنی و ریاضی شناخته شده ای و با هیچ تکنیک با سابقه ای نتوان آنرا پیش بینی کرد. البته که این بدین معنی نیست که یک عمل خلاقه با قوانین و روابط ثابت بین پدیده های هستی تباین دارد. بلکه در عین هماهنگی با آنها، درو راه قوانین علمی قرار دارد. به عبارت دیگر با وجودیکه یک عمل ابتکاری قابل پیش بینی نیست، ولی پس از آنکه انجام گرفت ملاحظه میشود که در چهارچوب قوانین علمی و روابط علمی صورت پذیرفته است.

هرچند خلاقیت به معنی آفریدن میباشد. (۱) ولی این بدان معنی نیست که انسان یا سیستمی که رفتار و اعمال خلاقانه ای از خود نشان میدهد بی نیاز بودن دریافت کمک از "محیطش" قادر به انجام عمل خلاقانه ای است. مثلاً اگر عمل انیشتاین را در پیدایش نظریه نسبیت یک عمل ابتکاری یا خلاقانه بنامیم ملاحظه میکنیم که کار او تکامل منطقی علم و فیزیک به حساب میآید و بدون اکتشافات و نتایج تحقیقات علمی و نظری قبل از او طرح و تنظیم نظریه نسبیت به صورت یک عمل

---

(۱) خلق و خلاقیت به دو معنا میباشد. اول بمعنای آفرینش عام یسا

فی البداهه امکان پذیر نبود . عبارت دیگر خلاقیت انسان در چهار ر  
 چوب مشیت غیر قابل تغییر الهی محدود است و بدین لحاظ ، با مقایسه  
 به قدرت خلاقیت مطلق خداوندی در سطح پائین تری قرار میگیرد .  
 ولی در عین اینکه در سطح پائین تری قرار میگیرد قابل پیش بینی نیست<sup>(۱)</sup>  
 تصویر زیر این نکته را نشان میدهد .

فرض کنید ، انسانی در مسیر زندگی خود بنقطه فرضی الف میرسد (شرا)  
 از این نقطه مایل است به نقطه ب برسد . در دایره امکان ، یعنی در  
 چهار چوب قوانین جهان هستی راههای ط ۱ و ط ۲ و ط ۳ و ط ۴ ؛ امکان  
 پذیر است . برای این شخص ممکن است بعضی از راهها شناخته شده  
 باشد . مثلا ط ۱ ولی راههای ط ۲ و ۳ و ط ۴ شناخته شده نباشد  
 ولی این راهها برای کسی که دارای دانش بیشتری است ممکن است ،  
 معلوم باشد مثلا چون هیچیک از این راهها توسط موجودی که دارای علم  
 مطلق است ، امکان پذیر است . ولی این موضوع که کدام یک از این

بقیه پاورقی از من قبل : ابداع - دوم - آفرینش بمعنای ایجاد شئی  
 یا عملی که نبوده است از وسائل و مواد قبلی که بوده اند . امانه بصورت  
 نوظهورش این نوع خلق و خلاقیت بمعنای " جعل " است یعنی تعمیر  
 روابط ظاهری یک پدیده از حالتی به مرحله و حالتی دیگر . بدون آنکه  
 حالت جدید برای ناظر یا محقق ( انسان ) قبلا شناخته بوده باشد  
 (۱) باتوجه به تفاوت معنای خلق و ابداع ، باید گفت که در قلمرو

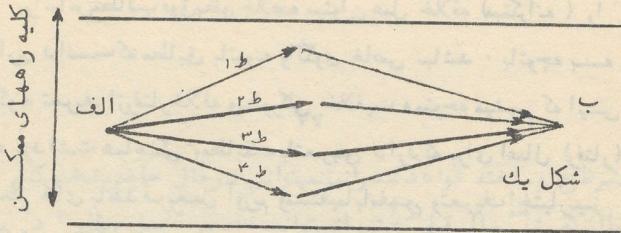
راه حلها توسط انسان مورد نظر، در نقطه الف انتخاب میشود، قابل پیش‌بینی نیست. دلیل آن هم تا حدودی قابل درک است: پس بردن به راه‌های ط ۲، ط ۳، ط ۴ و انتخاب بهترین راه حل، مستلزم تفکر دقیق است. (۱) تفکر خود یک عمل آگاهانه و اختیاری میباشد و نیاز به سعی و تلاش دارد که معمولاً دشوارتر از اعمال فیزیکی است. کشف راه‌های ط ا و ط ۲ و ط ۳ علاوه بر اینکه تابع عوامل بسیاری است، تابع میزان تفکر و فعالیت ذهنی انسان مورد نظرمان نیز میباشد. و از آنجائیکه این فعالیت عملی، ارادی و اختیاری است، طبق تعریف اختیاریه بستگی به میل او داشته، در نتیجه غیر قابل پیش‌بینی است. بنابراین اگر شخص مورد نظر راه حل ط ۱ را انتخاب کند، عملی غیر ابتکاری انجام داده است و در صورتیکه هر یک از راه‌های ط ۲ و ط ۳ و ط ۴ را انتخاب کند یک عمل خلاقه انجام داده است.

دنباله پاورقی من قبل - انسان، برای خلاقیت بشرمرزی وجود ندارد و تنها مرز محدود کننده آن خلق بمعنای ابداع است. ولی بشر دارای آنچنان امکانات بالقوه‌ای است که قادر بر هرگونه "خلق" و "جعلی" میباشد. (تمامی ملائک به انسان سجده کرده اند و روح خدای انسان در دیده شده است.)

(۱) تکیه کردن ما بر "تفکر" دقیق بمعنای نفی تاثیر سایر عوامل - بخصوص تاثیر عامل "عمل و تجربه" نیست.







باتوجه به بحث فوق میتوان نتیجه گرفت که يك عمل خلاقه یا ابتکاری نسبی است و بستگی به موقعیت و شخص ناظر و فرد عامل دارد. عملی که ممکن است در موقعیت ویژه ای توسط فردی بنظر ناظر خاصی مبتکرانه جلوه کند ممکن است تحت شرایط دیگری که در آن شخص عامل و ناظر متفاوتند، عادی بشمار آید. بدیهی است يك راه حل جدید برای آن که انتخاب گردد باید دارای امتیازاتی نسبت به راه های قبلی داشته باشد.

حل مسائل واقعی زندگی، چه در سطح زندگی فردی و خانوادگی و چه در سطح اجتماعی يك عمل مبتکرانه و خلاقه است. زیرا هر يك از این موقعیت ها دارای ویژگی های مربوط به خود است که یا تاکنون - عینا اتفاق نیافتاده است و اگر هم رخ داده باشد ممکن است از چگونگی بهترین راه حل آن بیخبر باشیم. در نتیجه فقط از طریق تفکر آگاهانه و یا جمع آوری و تحلیل و ترکیب اطلاعات مربوط به موضوع است که راه های مختلف را میتوان شناسائی و یکی را انتخاب کرد.

بر اساس مطالب فوق بطور خلاصه میتوان عمل خلاقه (مبتکرانه) را رفتاری دانست که مطابق با نمونه والگوی خاصی نباشد. با توجه به اینگونه تعریف از رفتار خلاقه و بطور کلی خلاقیت، متوجه میشویم که اینگونه برداشت هماهنگی و مطابقت با تعریفی دارد که برای اعمال (رفتار) سیستم های با هدف بعمل آوریم و مستقیماً با مفهوم و تعریف اختیار نیز ارتباط پیدا میکند (۱).

در اینجا لازم است یاد آور شویم که همه اعمال انسانی خلاقه و ابتکار نیست مثلاً اعمالی که از روی عادت انجام میدهم رفته رفته حتی نسبت بانجام آنها خود آگاهی لازم را نیز از دست میدهم. مانند اتومبیلرانی و یا عبور روزانه از مسیری که منزل و محل کار شخص را بهم متصل میسازد. از آنجاییکه انسان دارای استعداد و ظرفیت خلاقیت و ابتکار است و قطره موعیه که از این توانائی استفاده کند، طبق ظرفیت انسانی خود عمل مینماید. هر چند قبول خلاقیت و ابتکار و تعریف عملی آنها امکان میدهد راجع به رفتار آدمی بطور علمی صحبت شود، معاهد اضعف و ناتوانی علم را در پیش بینی چگونگی آینده ای که نه تنها شکل و تناسب آن مجهول است، بلکه ماهیت آن نیز مجهول است نشان میدهد. مثلاً امروزه تنها نمیتوانیم حجم "حمل و نقل" را در دنیای آینده - دقیقاً پیش بینی کنیم، بلکه چگونگی وسائلی که بدین منظور توسط

---

(۱) خَلْق و خَلَاقیت با "قدر و اندازه" رابطه نزدیک دارند. این رابطه را بررسی کنید.

بشرطی و ساخته خواهد شد در این زمینه می‌توانیم در حال حاضر مشخص کنیم .  
 کما اینکه بشر صد سال قبل نه تنها نمی‌توانست حجم " حمل و نقل " در -  
 دنیای امروز را پیش بینی کند ، بلکه قادر نبود تصور کند که وسائلی که بشر  
 برای کسب و کار خویش مورد استفاده قرار خواهد داد ، سرعتی بیش از  
 سرعت خطی حرکت وضعی زمین داشته باشند ( مانند هواپیماهای فوق  
 سرعت صوت ) .

#### ۴-۱ استعداد ( دانستن - فهمیدن - هوش )

یکی دیگر از خصوصیات آدمی قدرت و قابلیت یادگیری اوست و بقاء  
 او نیز تا حدود زیادی بستگی به قدرت یادگیری او دارد . در مورد حیوانات  
 این استعداد یا وجود ندارد و یا آنکه بسیار ضعیف بوده ، معمولاً حرکات  
 و رفتار آنها بصورت از قبل برنامه ریزی شده است  
 حیوانات پس از تولد با مختصر توجه و مراقبت مادر قادر به ادامه زندگی می  
 شوند . در صورتیکه در مورد انسان نه تنها برای مدت نسبتاً طولانی به  
 مراقبت جسمی و روحی مستقیم مادر احتیاج دارد ، بلکه در طول دوران  
 عمر همیشه باید در حال آموختن و کسب اطلاع از شرایط محیط باشد .  
 وجود کودکان ، دبستان ، دبیرستان ، دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی  
 در جوامع انسانی ، و فقدان آنها در جوامع سایر موجودات ، دال بر  
 اینست که یادگیری از صفات بارز انسان است . برای تعریف دقیق  
 و علمی یادگیری لازم است دانش و فهمیدن نیز تعریف شود . ذیلاً به  
 توضیح و تعریف این مفاهیم میپردازیم .

### دانشتن و فهمیدن

دانشتن (دانش) معمولاً به دو صورت بنا می‌رود؛ یکی آنکه شخص صاحب اطلاعات مخصوصی باشد، مثلاً گرم بودن هوای تابستان، نوعی اطلاع است که در صورتیکه شخص واجد آن باشد، دارای دانش مربوط یعنی گرم بودن هوا در فصل تابستان می‌باشد. نوع دوم دانش عبارت است از داشتن نوعی توانائی، مثلاً رانندگی را میتوان یک دانش به حساب آورد و یا نوشتن را میتوان نوعی دیگر از دانش شمرده بنا بر این دانشتن در باره چیزی و توانائی انجام آن (عملی) هر دو دانش محسوب میشوند. معنای دوم دانش لحاظ علمی دارای اهمیت بیشتری است بدین لحاظ آن کسیکه بتواند محل معینی را باران‌دمان، صحت، دقت و سرعت بیشتری انجام دهد، دارای دانش بیشتری است.

با توجه به اینگونه تعریف دانش، بی‌مناسب نیست که تفاوت آنرا با فهمیدن نیز مطرح کنیم و پس از آن به تعریف هوشیاری یا آنچه معمولاً بنام استعداد خوانده میشود بپردازیم. فهمیدن معمولاً دارای معنی و اهمیت آنچه دانسته شده است، همراه می‌باشد. بعبارت دیگر در صورتیکه بتوانیم رابطه علت و معلولی بین آنچه دانسته شده است را با چیزهای دیگر درک کنیم آنرا فهمیده ایم.

بنابراین فهمیدن عبارت از توانایی لازم در اصلاح و تغییر رفتار بمنظور حفظ راندمان در انجام فعالیت مورد نظر است، که بعلمت بیدایش تغییراتی در محیط حاصل میشود. بعنوان مثال تصور کنید هر

هر روز از طریق نزدیک ترین راه بمحل کار خود میروید . در روزنامه می خوانید که فردا مراسمی خواهد بود که مسیر آن راه منزل به کار که هر روز از آن میگذرید را قطع میکند و در نتیجه پیش بینی میکنید که سرعت حرکت عبور و مرور را کاهش خواهد داد و در نتیجه صبح روز بعد ، برای آنکه سراسر ساعت به محل کار خود برسید از راه دیگری که هر چند تا حدودی دورتر است ولی با سرعت بیشتری آنرا میتوان پیمود ، خواهید رفت . درک -  
تاثیر یک موضوع خارجی ( مراسم ) روی سرعت عبور و مرور در نتیجه راندمان رسیدن به محل کار " فهمیدن " است . هر چند کلمات دانستن و فهمیدن را میتوان بطور دقیق و عملی تعریف کرد ولی برای منظور این مقاله تعریف و توضیح فوق کافی بنظر میرسد .

### \_ \_ \_ هوش \_ \_ \_

تعریف و اندازه گیری هوش و استعداد یکی از فعالیت های عمده روانشناسان طی سال های اخیر بوده است . ثمره این تحقیقات انواع آزمایشات هوش میسازد که معروفتر از همه آنها آزمایش معروف به آی کیو I. Q. است که اعداد از طریق آن برای هر فردی عدد معینی می توان بدست آورد که نماینده هوش و استعداد او باشد .  
صرف نظر از بحث ها و اختلاف نظر هایی که درباره هوش و نحوه اندازه گیری آن بین روانشناسان وجود دارد در اینجا بطور مختصر آنچه مورد توافق کلی است بیان میشود .  
هوش و استعداد عموماً با سرعت یادگیری فرد رابطه مستقیم دارد .

منظور از یادگیری عبارت است از افزایش دانش (ویا فهمیدن) فرد طی زمان و یا تعداد دفعات کوشش کردن شخص برای یاد گرفتن مطلب یا امری. شخص ممکن است برای یاد گرفتن یک موضوع و یا یک کار هوش و استعداد خارق العاده ای نشان بدهد، ولی برای یادگیری استعداد و هوش بسیار کمی ظاهر سازد. ولی شخص دیگری ممکن است در مورد انواع کار فوق استعداد معکوس نشان دهد، یعنی کار اول را به سختی و کار دوم را براحتی فراگیرد. در اینجا است که نمیتوان گفت کدامیک با هوش تر و مستعد ترند. با توجه به این موضوع ملاحظه میگردد هر کس محتملاً در رشته های معین دارای سرعت یادگیری (استعداد) بیشتری است و در نتیجه با چسبانیدن یک نمره مطلق بیک فرد برای نشان دادن میزان استعداد و هوش او شاید نتوان کلیه توانائی های ذهنی و فکری او را منعکس و متجلی ساخت.

#### ۵-۱ آگاهی و خود آگاهی

درک حالت فکری خود یا دیگری نوع خاص و مهم تر دانستن است. که آنرا در فارسی بنام خود آگاهی و یا آگاهی مینامند و در واقع منظور از چنین درکی همان SELFCONSCIOUSNESS است. هنگامیکه شخص موضوعی را درک کند و علاوه بر آن نسبت بدرک این موضوع نیز توجه داشته باشد، نسبت به مسئله خود آگاهی CONSCIOUSNESS دارد. عبارت دیگر خود آگاهی SELFCONSCIOUSNESS عبارت است از پاسخگویی نسبت به محرکی که خود پاسخ یا عکس العملی نسبت

بواقعه یا موضوع دیگری بوده است . بعنوان مثال واقعه جنگ خندق و روبروشدن علی با عمرو ابن عبدود نشان دهنده خود آگاهی کامل علی است . هنگامیکه علی بر سینه دشمن می نشیند تا سراو را قطع کند ، عمرو این عبدود ، بصورت علی تف می اندازد ، این عمل خشم علی را بشدت تحریک میکند که با شدت بیشتری سرش را تن جدا کند . ولی علی نسبت بحالت روانی خود آگاهی دارد . متوجه می شود که کشتن عمرو ابن عبدود که فقط باید در راه خدا و پیشبرد حقیقت انجام گیرد ، اگر در آن زمان انجام شود ، متاثر از خشم خصوصی او است . این خود آگاهی نسبت بحالت روانی و فکری اش باعث میشود که از روی سینه دشمن برخیزد . در اطراف میدان کارزار قدم زند ، عصبانیت خود را ذایل کند ، نیت خود را تجدید کند ، و آنگاه با خود آگاهی و دانش کامل نسبت بعمل خود ، سرش را جدا کند (۱) .

شخص ممکن است نسبت بحالت ذهنی فرد دیگری آگاهی  
 CONSCIOUSNESS داشته باشد ولی خود آن شخص فاقد این آگاهی

(۱) داستان علی در جنگ خندق را میتوان از دیدگاههای مختلف و متفاوتی بررسی کرد . علاوه بر آنچه در بالا بدان برخورد شده است که نماینده " اخلاص در عمل " از جانب علی (که باید بمعنای اخلاص در عمل توجه کرد) و آگاهی اوست که مسئله را بصورت دیگری باید و میتوان بررسی کرد و بدان آگاهی یافت . و آن اینست که جنگ ما با دشمن ، با ضد انقلابی ←

باشد . بعنوان مثال معلمی را فرض کنید که مسئول تدریس موضوعی کرده اند که دارای دانش سطحی و ابتدائی است و هنگام تدریس ، نگرانی این موضوع است در نتیجه اجازه سوال بکسی نمیدهد و گاهی با شاگردان یا دانشجویان ، بد اخلاق میکند ، این معلم نسبت برفتار و اعمال خود شآگاهی CONSCIOUSNESS ندارد . یعنی هر چند که ممکن است متوجه بد اخلاقی خود باشد ، ولی عاملی که باعث این بد اخلاقی شود را درك نمیکند . ولی دانشجوئی باهوش که معلم مذکور را در خارج از محیط آموزش میشناسد و برفتار او اخلاق و باسواد و تجربیه و تحصیلات او آشنائی دارد ، نسبت بحالت ذهنی و آنچه این حالت ذهنی را در معلم ایجاد میکند . آگاهی CONSCIOUSNESS دارد . بنا بر این آگاهی CONSCIOUSNESS را میتوان درك یکی یا تعدادی از حالات ذهنی خود یا دیگری دانست .

---

→ جنگی شخصی و خصوصی نیست . بلکه جنگ ما با قوای دشمن بخشی است از کل حرکت اسلامی . در چنین جنگی روحیه های شهور جوئی " بیباکی " حادثه جوئی راه ندارد . مثال دیگری در این مورد داستان خود قرآن در سوره قصص است وقتی موسی یکی از بنی اسرائیل را میبیند که بایک قبطی در جنگ است . مرد اسرائیلی کمک موسی را میطلبد . موسی بدون توجه به علل نرسزاعشان بصرف اینکه يك طرف قبطی است در جنگ بنفع اسرائیلی شرکت میکند و قبطی را میکشد . (ریشه ←



## ۲ - طرح و ساختن آینده (برنامه ریزی)

بر اساس ویژگی های انسان که در قسمت اول بیان کردیم ، میتوان نتیجه گرفت که انسان قادر است هم هدف وهم راه رسیدن به هدف را طرح و انتخاب کند و در راه نیل بآن میکوشد . به بیانی دیگر انسان - بالقوه قادر است آینده و راههای رسیدن بآن را طراحی ، ارزیابی و انتخاب کند و نهایتاً آنها را بوجود آورد .

برنامه ریزی جریانی است دائمی که انسان و جامعه را در این تلاش برای تعالی و توسعه یاری میدهد . برنامه ریزی وسیله ای است که طی آن هدفها به صراحت و موضوع تعریف میشوند ، وسیله ای است که از طریق آن وسائل دیگر که برای نیل به هدف ها لازمند تعیین و کسب میکنند .

هرچند که صفات و مشخصات لازم برای برنامه ریزی در انسان ها بالقوه وجود دارد ، لکن بدلائل انحرافات اجتماعی و فرهنگی که عمدا یا تصادفا حاصل گردیده است ، نقش اختیاری و خلاقیت و هدف جوئی

→ های تمایلات نژاد پرستانه - حادثه طلبی !! ) این نوع تمایلات که امروزه هیچ در جنبش های انقلابی وجود دارند ، و بطور وسیع دیده میشوند ، مسلماً با مساله کار انقلابی فرق دارند . . . موسی بعد اباین امر آگاهی پیدا میکند و به گناهی که مرتکب شده است اعتراف نموده و از خداوند درخواست عفو میکند .

در طرح و ساختن زندگی آینده در بسیاری از جوامع تا حد غیر قابل  
تحملی کاسته شده است . در این جوامع اکثر مردم همه چیز را از قبل  
تعیین شده ، و خود را آلت محض بدون اثری در ماشین عظیم اجتماعی  
وهستی دانسته و نقشی برای برنامه ریزی تصور نمیکنند .

در این قسمت ابتدا عوارض ناشی از بی برنامه ائی و مشخصات افرادی  
که دارای تصور صحیحی از برنامه ریزی نیستند را مطرح میکنیم سپس  
هسته برنامه ریزی و مشخصات انسانهایی که بنقش خود برنامه ریزی برآ  
طراحی و ساختن دنیای آینده ایمان دارند را تشریح میکنیم . و آلا به  
معرفی مختصر مراحل و اجزاء جریان دائمی برنامه میردازیم .

### ۱- ۲- عوارض مسائل ناشی از بی برنامه گی

اکثرا با افرادی مواجه میشویم که نسبت به رتغییری بد بین هستند  
برای خود نقشی در ایجاد تغییر تصور نمیکنند و هر کسی که چنین نقشی  
را برای خود احساس کند ، مسخره میکند .

داشتن هدف و برنامه ای برای نیل به آن را ساده لوحانه و احمقانها  
تصور میکنند . هنگامیکه فرهنگ حاکم بر جامعه نیز شانسن و تصادف را  
مؤثر و هدف و کوشش انسان را به حساب نیاورد ، تاثیر چنین افرادی در  
نگهداری وضع موجود شدیداً افزایش مییابد .

این افراد معتقدند که دخالت در امور بیفایده است و انسان فقط  
باید دارای گیرنده های خوبی باشد و از هر طرف که تشخیص دهد بساد  
میوزد از همان طرف حرکت کند . در صورتیکه میخواهد رسوا نگردد ، بساید

همزنگ جماعت شود و هرگز سری را که درد نمیکند، نباید دستمال بست  
میگویند آقا دنیا همیشه همینطور بوده است و این نیز بگذرد. اگر کسی  
صحبت از تحول کند و او را بدیوانگی متهم میکند ولی در ضمن در صورتیکه  
تغییری حاصل شود از اولین کسانی خواهند بود که طوطی و آرا را  
تقلید خواهند کرد.

عده ای از این افراد نیز برای حفظ آبرو و جازدن خود جز "متفکرین  
و روشنفکران" و ظاهراً خوب حرف میزنند و اسم نویسندگان بزرگ و آثار آنها  
و کلماتی که "اینم" یا "سیون" مانند (EVOLUTION، REVOLUTION  
و DETERMINISM) وارد را مرتباً بکار میبرند، بطوریکه اگر فردی با این کلمات  
آشنائی نداشته باشد با احتیاط از آنها فاصله گیرد. ولی در عمل این  
افراد یابی اثر و خنثی هستند و یا اینکه تمام مساعی خود را بکار میبرند که  
در وضع موجود تغییری حاصل نشود. مبادا که منافع آنها دچار تغییری  
شود. این افراد معمولاً در سطوح مختلف مشاغل دولتی با سرعت ترقی  
میکنند و تبدیل به بوروکراتهای میگردند که بجای عمل مفید و صالح به  
کاغذ پراکنی و کمیته بازی و نمایشهای کم‌دی تراژدی اداری پرداخته  
و همراه با آن بانواع فسادها مشغول میگردند.

معمولاً این افراد راضی بانجام کار سازنده ان نمیشوند و اگر هم در تحت  
فشار و روبری با ابزاری موضوعی موافقت کنند، منافع انسانی و مالی  
که برای اجرای آن تشخیص میدهند، قلیل بوده تکافوی انجام شایسته  
کار را نمیدهند و نتیجه مطلوب حاصل نمیگردد. خود این افراد از این

عدم توفیق خرسند شده اولین کسانی هستند که پیشنهاد کنندگان و بانیان آنرا می‌کوبند .

بزرگترین صفت این افراد "زرنگی" و درعین حال "تنبلی" است . معمولاً از خطر می‌گریزند . اکثر بصورت انگل وابسته به دستگاه بوروکراتیک بزرگتری هستند ، یا از ارث کلانی تغذیه میکنند ، و یا مستقیماً با زرنگی حق دیگران رابه خود اختصاص میدهند و یا ترکیبی از هر سه .

دسته دیگری از مردم را نیز مشاهده میکنیم که در گذشته زندگی میکنند از اینکه وضع حاضر مانند سابق ساده و سادگت و آرام نیست رنج می‌برند ، مایلند به عقب برگردند . گذشته را پر افتخار و پر عظمت و باشکوه میدانند و آنچه امروز هست را سراسر بد و ناهنجار می‌شمرند این افراد همچون شناگرانی هستند که در جهت خلاف مسیر شنا میکنند بجاست که آنها را ارتجاعی خوانند . هر ایده و نظریه جدید را با سردی تلقی میکنند و اظهار میدارند که کار نخواهند کرد .

در زندگی اجتماعی خود به سن و سابقه بیشتر اهمیت میدهند تا به دانش و تحرك و فعالیت و خلاقیت این افراد بهیچ وجه برای انسان حق و توانائی ساختن دنیائی بهتر از آنچه در گذشته بوده است رانمی دهند و انسان را در چهارچوب متحجر گذشته سنگ میکنند . این گروه از مردم همیشه در مقابل تغییرات محیط عکس العمل نشان داده و هر گزاره بتکار عمل در زندگی بدست نمی‌گیرند . نحوه کار و اقدامات آنها تدافعی است . برای این است که صدمات محیط در امان بمانند نه آنکه محیط

را تغییر دهند . همیشه لیست بزرگی از کارهایی که نباید کرد تا از زحمت  
 و درد سر محیط و اجتماع در امان بود را برای ارائه در اختیار دارند . آن  
 قدر که بعلائم درد توجه دارند علت اصلی درد ها را جستجو نمیکنند  
 مثلا بجای اینکه ریشه فقر را بشناسند و با آن مبارزه کنند ، بگدایان چند  
 ریالی با اصطلاح " صدقه " میدهند و تا ابد خود را تحمیق و گدازار گدا  
 و جامعه را مریض و فقیر نگاه میدارند . اقدامات مختلف برای حفظ وضع  
 موجود و یا حرکت بعقب فعالیت اساسی اسن افراد است بزبان قرآن  
 اینها افرادی هستند که میگویند " پدران و ما اینطور بودند ، آیا ما خود  
 را تغییر دهیم " جوامع سنتی معمولا دارای این ویژگی ها هستند . پدران  
 و مادران مانیز اکثر از چنین الگویی متابعت کرده اند و میکنند .  
 دسته سوم افرادی هستند که فکر میکنند وضع موجود را میتوان بهبود  
 بخشید به آینده خوش بین هستند و خود را برای حداکثر بهره برداری از  
 آن آماده میکنند . این افراد معتقدند با اصلاح شرایط موجود کیفیت  
 اوضاع آینده را میتوان بهتر کرد . پیش بینی وضع آینده و فراهم آوردن  
 منابع و تجهیزات لازم برای مواجه شدن با آن هسته اصلی کار آنها است  
 تکنولوژی و ماشین را حلال مشکلات میدانند و برای بهبود وضع جامعه  
 صنعتی شدن آن را بعنوان تنها راه مؤثر و قطعی تصور میکنند . پیروان  
 این طرز تفکر قدرت محیط را غالب و تغییر جهت آنرا پدیده ای نادیده شمار  
 میآورند و در نتیجه سعی خود را فقط در جهت تقویت و اصلاح آن بکار می  
 برند .



هیچیک از سه گروه فوق تصور صحیحی از استعداد ها، جایگاه و نقش انسان در جهان هستی ندارند. اولی او را در اغتشاش روزگار بصورت بی تفاوت رهامی سازد، دومی او را دعوت به بازگشت به گذشته ای رمانتیک ولی خیالی میکند، و سومی او را بعنوان وسیله ای برای تسریع روند های جاری بکار میبرد. هر چند جهت این روندها اشتباه باشد. هدف اصلی این مقاله اینست که نشان دهد گروه چهارمی هم وجود دارد که با درک وسیع بعد زمان و استعداد های انسانی در تلاش آفرینش آینده ای درخشان برای انسان باشد. در اینجا پس از مرور آخرین نظراتی که درباره فلسفه و تئوری برنامه ریزی توسط محققین این رشته مطرح شده است، و هماهنگی آن با جهان بینی اسلام و نقش برنامه ریزی در توانائی بخشیدن به "موحد" در راه ساختن جامعه توحیدی مورد بررسی مقدماتی قرار خواهد گرفت.

## ۲-۲ فلسفه برنامه ریزی

در این قسمت از مقاله سعی میکنیم، فلسفه و تئوری و متد لژی و برنامه ریزی را بطور مختصر، مطرح نمائیم. غرض از این معرفی مختصر، تنها جلب توجه به اهمیت برنامه ریزی در ایجاد تغییر است، بلکه مهمتر از آن فراهم آوردن اطلاعات لازم برای مقایسه آن با نظر اسلام در این خصوص میباشد. آنچه را در اینجا بعنوان برنامه ریزی مطرح میکنیم بطور کلی مورد توافق و نظر متخصصین و صاحب نظران طراز اول این رشته است. تفکر و تحقیق در این زمینه، با مقایسه بارشته های دیگر علمی، تازه شروع

شده است . در نتیجه میتوانیم برنامه ریزی را در دوران طفولیت آن تصور کنیم و یافته های آنرا قدم های نخستین حرکتش بشمار آوریم . در ضمن اگر مشاهده کردیم که هدف و جهت آن صحیح و سالم است ، میتوانیم امیدوار باشیم که از یافته های عملی آن در آینده بطور موثر استفاده کنیم و خود نیز در پیشبرد و تکامل آن بکوشیم .

برنامه ریزی عملی است که مبنای آن حکمت است . حکمت بمعنای در نظر داشتن نتایج بلند مدت و دور بردی که حاصل اعمال امروز است . برنامه ریزی یک عمل منطقی و عاقلانه است که طی آن از منافع آتی ، به خاطر منافع و فوائد بیشتر آتی صرف نظر میگردد . کسی که برنامه ریزی می کند بر این اعتقاد عمل میکند که آینده را در جهت مطلوب تغییر دهد .

برنامه ریزی را میتوان تجسم و طراحی وضعیت مطلوبی در آینده دانست و همراه آن یافتن یا ساختن راهها و وسائلی که رسیدن به آنرا ممکن میکند . از مشخصات اصلی برنامه ریزی لزوم تفکر و تصمیم گیری قبل از اقدام بعمل میباشد . سؤالی که باید بدان جواب بدیم این است که چرا باید برنامه ریزی کنیم ؟ جواب اینست که وضعیت مورد علاقه ما به احتمال زیاد ، مطابق انتظار و بطور کلی خود بخود حاصل نخواهد شد . بنابراین اقدام ما احتمال حصول وضعیت مطلوب را افزایش میدهد ، بدیهی است در صورتیکه وضعیت مطلوب حتمی بنظر برسد - مگر برای تسریع آن - برنامه ریزی نخواهیم کرد .

در برنامه ریزی تصمیمات مرتبتهای اتخاذ میشود که تغییر هر یک باعث

ایجاد تغییر در حداقل یک تصمیم دیگر میگردد بنابراین در عمل نمیتوان برنامه ریزی را بقسمتها و یا مسائل مستقل وجد از هم تقسیم کرد و برای هر یک راه حل ساده ای یافت که جداگانه قابل اجراء باشد . بدینجهت برنامه ریزی را میتوان بررسی و حل سیستمی از مسائل مرتبط و متاثر از هم دانست که کیفیت جواب بهر یک از مسائل در کیفیت و نحوه جواب بسایر مسائل اثر میگذارد . پیچیدگی برنامه ریزی بعلت سختی هر یک از مسائل نیست ، بلکه بخاطر همبستگی و ارتباط آنها با یکدیگر میباشد . مثلاً یک تغییر کوچک در برنامه روزانه شخص میتواند تمام فعالیت ها و ترتیب انجام آنها را در آن روز متاثر و یا مختل نماید .

علاوه بر این چون عوامل زیادی در برنامه ریزی دخالت دارد و بسیاری از این عوامل خارج از حیطه اختیار شخص یا گروه برنامه ریزهاست ، مانند تغییرات محیط ، همچنین بعلت افزایش دانش شخص یا گروهی که برنامه ریزی میکند ، هیچ برنامه ای برای مدت زیادی معتبر و عملی باقی نمیمانند . بنابراین هرگونه برنامه هایی برای آنکه عملی و واقعی بماند باید دائم در حال تجدید نظر و بررسی باشد . بعبارت دیگر برنامه ریزی یک جریان دائمی است که بتهیه یک برنامه مشخص ثابت و همیشگی ختم نمیشود . چون برنامه ریزی دارای اجزاء و فعالیت های زیادی است معمولاً نمیتوان آنرا یکجا و توسط یک نفر انجام داد . بالا جباریه مراحل مختلف و منطقی باید تقسیم شود . این مراحل بصورت همزمان ( موازی ) و یا متوالی و یا بصورت ترکیبی از ایندو توسط افراد مختلفی در ارتباط با هم



انجام میگیرد . عملیات مربوط به برنامه ریزی خود بخود و در سازمان یا تشکیلاتی انجام نمیگیرد ، برای آنکه مراحل برنامه ریزی بطور معین و قابل اطمینانی صورت پذیرد ، لازم است که خود سازمان یا بدنه عبارت دیگر ، برای اینکه جریان برنامه ریزی بطریق صحیح صورت گیرد خود باید برنامه ریزی شود .

پس بطور خلاصه برنامه ریزی را میتوان یک سلسله تصمیم گیری های مرتبط بهم دانست که بر اساس آن عملیاتی انجام میگیرد که احتمال نیل به هدف مطلوب را افزایش میدهد و در حالیکه اگر عملیاتی مذکور انجام نگیرد نیل به هدف مطلوب بعید بنظر میرسد .

از خصوصیات برنامه ریزی این است که عملی می باشد آگاهانه و — منطقی ، برای ایجاد تغییر در محیطه بر اساس مقصود معین ، در نتیجه برنامه ریزی را میتوان از نوع فعالیتهای " هدف جوانه " تلقی کرد که خاستگاه آن انسان است . در انجام عمل برنامه ریزی آدمی رفتاری نشان میدهد که کاملاً از تعریف اختیار و هدف فداری متابعت میکند . در این رفتار نه تنها هدف را انتخاب میکند ، بلکه راه وصول به آن را نیز مطابق با میل و نظر خود طرح و انتخاب میکند . برنامه ریزی بدون مقصود و هدف نهائی بی معنی است . " مقصود " و " هدف " محتوی اصلی برنامه ریزی است .

برنامه ریزی فعالیتی است در وراء قوانین فیزیکی حاکم بر سیستم های بسته . همانطوریکه میدانیم ، بنا بر این قانون دوم ترمودینامیک

(اصل افزایش آنتروپی) هر سیستم بسته بطرف اغتشاش و فساد ویسی  
 نظمی حرکت میکند و در حالت حداکثر بینظمی بتعادل حرارتی رسیده  
 متوقف میشود. برنامه ریزی از طرف دیگر پدیده ای است در جهت مخالف  
 افزایش آنتروپی و در جهت افزایش نظم و تکامل. در صورتیکه نظام اجتماعاً  
 برنامه ریزی نکند دچار اغتشاش و بینظمی و فساد و کاهش راندمان و -  
 احیاناً توقف میگردد. برنامه ریزی فعالیتی است که سیستم مورد نظر  
 را در جهت مخالف حرکت میدهد و از این رو است که میتوان آن را در «  
 پدیده های مادی قرارداد. زیرا تحت تاثیر افزایش آنتروپی که از ستون  
 های پایرجای علم امروز است قرار نمیگیرد و در خلاف جهت آن به ساختن  
 و ایجاد نظم بیشتر میپردازد. همانطوریکه قبلاً اشاره شد محتوی اصلی  
 برنامه ریزی هدف و مقصود برنامه ریزاست و هدف یا مقصود برنامه ریز  
 است که یکی از عوامل ایجاد پدیده نگانترویک یا آنتروپی منفی  
 NEGENTROPIC در سیستم است. بنابراین هدف و یا مقصود، آرزو و  
 اختیار و یا اراده برنامه ریزاست که در « قوانین مادی ولی هماهنگ  
 با آنها و از طریق کسب اطلاعات و انرژی از محیط میتواند در خلاف جهت  
 دومتغیر اساسی جهان حرکت کند. این دو متغیر یکی آنتروپی است  
 و دیگری زمان. در مورد آنتروپی مختصر توضیح دادیم و در مورد زمان  
 نیز لازم است اشاره ای بنمائیم.

در برنامه ریزی مسیر حرکت زمان معکوس میگردد. به جای اینک  
 برنامه ریز نتایج عملیات زمان حاضر را ارزیابی کند و بر اساس آن چگونگی

وضع آینده را پیش‌بینی نماید . آنچه را که برای آینده آرزومیکند را مبنای کار قرار میدهد و بر اساس آن عملی که باید در زمان حاضر انجام گیرد را مشخص میسازد . بعبارت دیگر برای نیل به ایده آل باید بهد ف هائی بلند مدتی نیل آئیم ، ولی برای وصول بهریک از هد فهائی بلند مدت لازم است بیک یا چند هد ف کوتاه مدت برسیم . برای آنکه بهد ف های کوتاه مدت دست یابیم ، باید عملیات خاصی را در زمان حاضر شروع کنیم . در نتیجه ملاحظه میکنید که چگونه آینده دلخواه عمل امروز ما را تعیین میکند ، و نه برعکس میکند .

برای آنکه سیستمی قادر به برنامه ریزی باشد باید اولاً قادر برک — محیط بوده ، آرزوی اصلاح و یا ایجاد وضعیت بهتری را مطلوبی را داشته باشد و بتواند بعد زمان را احساس کرده دروآء آن پرواز و آینده را بحال آورد . برنامه ریزی در این شرایط عبارت خواهد بود از سازمان دادن بفعالیت های خود و محیط بصورت اصلاح و پیشرفت دائمی در جهت هد ف یا ایده آل . در صورتیکه برنامه ریزی را در سطح اجتماع تصور کنیم ، نیل بهد فهائی متعالی بطور متوالی باعث تحول دائمی نظام ارزش میگردد ، بطوریکه در هر مرحله نظام ارزش خاصی که وصول بهد ف متعالی تر را تشویق و تسهیل کند ، طراحی یا ظاهر خواهد شد .

با قبول هد ف یا ایده آل واحد بفعالیهائی اجزاء جامعه ( سازمان ها و افراد ) جهت مشخص داده امی شود و این توافق باعث کاهش تضاد و اصطکاک ، و در نتیجه جلوگیری از اتلاف و بالاخره حصول حداکثر

سرعت جامعه در جهت تعالی و تکامل میگردد . در صورت انتخاب ایده آل مناسب ، رقابت در کسب منافع فردی تبدیل بر رقابت در ارائه حد اکثر خدمت به جامعه و یاهمکاری در رسیدن به هدفهای پیشرفته تریشری میشود و بدین ترتیب فعالیت انسان ها وحدت مییابد . نباید تصور کرد که با قبول ایده آل واحد ، اختلاف و تضاد بین اجزاء جامعه ناپدید میگردد . تلقی افراد و گروههای مختلف نسبت به ایده آل های مورد قبول یکسان نخواهد بود و این اختلاف بعلت سطوح مختلف تکامل و پیشرفت افراد است . گذشته از آن انحراف و توقف تهدید همیشه است و این خود منبع دیگری برای حضوری اختلافي اختلاف گذشته میباشد . بنابراین وحدت کامل ایده آلی است که جامعه بطرف آن دئامپیشروی خواهد کرد . جریان فوق حرکت ازینظمی بطرف نظم رانشان میدهد .

زیرا در صورتیکه هدف یا ایده آل واحدی بر اعضا جامعه حاکم نباشد هر یک در جهتی حرکت میکند و در نتیجه نظام اجتماعی در حالت های واحد و مطلوب را بطور روشن فراروی اعضا جامعه قرار دهد ، اغتشاش ناشی از هدفهای متفرق ازین میروود و جامعه حرکت منظمی را بطرف ایده آل هایش خواهد نمود .

در چنین جامعه ای سیستم برنامه ریزی نقش رهبری جامعه را به عهده میگیرد و آنرا از مراحل و هدفهای ابتدائی بطرف هدفهای متعالی سوق میدهد . حرکت بدون توقف در جهت حقیقت جوئی ، زیبایی و تولید و کسب بیشتر ادامه خواهد یافت نیل بهر هدف علمی ، هنری



اخلاقی ، یا اقتصادی ، بکمال ایده آلهادهای بالاتری را پدیدار  
 میسازد که وصول بان ها از طریق قدرت خلاقه و ابتکاروباسعی و کوشش  
 و تفکر آدمی امکان پذیر است . برنامه ریزی در چنین شرایطی نقش ایجاد  
 هماهنگی و تعادل برای تامین حداکثر رشد جامعه انسانی را در جهت  
 ایده آل هایش بعهده میگیرد .

### ۲-۳ مراحل برنامه ریزی

برنامه ریزی مورد نظر ، در چند مرحله به هم پیوسته انجام میگیرد  
 سعی میکنیم در اینجا بطور خلاصه هر يك از مراحل را بیان نمائیم .

#### ۱- هدف نهائی و ایده آل

بدون توجه به هدف نهائی و ایده آل برنامه ریزی بدون معنی است  
 همانطوریکه قبلاً گفتیم همین هدف نهائی و ایده آل است که حرکت  
 دائمی و تکاملی سازمان را باعث میشود و همین هدف نهائی و ایده آل -  
 است که با توجه بان نقایص کونی محیط و سازمان قابل تشخیص است .  
 بنابراین تعریف کلی ایده آل ، در بادی امر ضروری است .

#### ۲- ارزیابی وضع موجود و پیش بینی وضع آینده

در صورتیکه وضع موجود بهمین نحوه ادامه یابد . سازمان باید  
 اوضاع موجود را ارزیابی کند و درك صحیحی از آن بدست آورد . به  
 عبارت دیگر محیط و نظامی را که با آن در تماس است و میخواهد تغییر  
 دهد را باید بشناسد . هر چند درك کامل محیط امکان پذیر نیست ،  
 ولی بخش های عمده آن که حرکت سازمان را بطور موثر تحت تاثیر قرار

خواهد داد . باید مطالعه کند . بر اساس تغییراتی که در سیستم مورد نظر در شرف تکوین است . برنامه های آن و همچنین تغییرات . . . سیاسی و اقتصادی و علمی که در سطح بین المللی در حال پیشرفت و پیدایش است را بفهمد و بتواند آهنگ های تغییر را چه درون سیستم مورد علاقه خود و چه در محیط آن ارزیابی و پیش بینی کند . مسلماً وضع آینده پیش بینی شده مورد رضایت و کمال مطلوب نیست و گرنه احتیاجی به برنامه ریزی و اقدام آگاهانه نبود . با توجه به چنین تصویری از آینده است (آینده سازمان ، آینده سیستمی که سازمان باید روی آن عمل کند و آنرا تغییر دهد و آینده دنیا بطور کلی ) که سازمان هدفهای بلند مدت خود را تنظیم میکند .

### ۳ - هدفهای بلند مدت (فارغ از محدودیتهای)

در این مرحله باید تصویری از آینده سازمان ، آنچه مطلوب اعضاء آن است پیش بینی شود . خصوصیات سازمان فعالیت ها قدرت و حوزه و قلمرو عملکرد آن باید تجسم و تعریف شود . این مشخصات باید به طور کیفی و کلی مطرح گردد . حصول مشخصات و شرایطی که در این مرحله پیش بینی میشود ممکن است در محدوده زمانی (مدت) برنامه عملی نگردد ولی بهر حال باید در دوره برنامه ریزی بآنها نزدیک شد .

### ۴ - هدفهای کوتاه مدت

برای حصول هر یک از هدفهای بلند مدت ، میتوان هدفهای محسوس و ملموس که نیل بآن ها ، لازمه حصول هدفهای بلند مدت است

راتعریف کرد . هدفهای کوتاه مدت باید در طی دوران برنامه ریزی قابل حصول باشند . معیارهای دقیقی که حرکت سازمان را در جهت نیل به هدفهای کوتاه مدت ارزیابی کند لازم است .

#### ۵ - استراتژی نیل به هدفها

برای رسیدن بهره‌دهنده‌های مختلفی وجود دارد . تعیین راهی که با توجه به منابع موجود سازمان - منابعی که در طی دوره برنامه ریزی قابل حصول است - به بهترین وجهی وصول به هدفها را ممکن میسازد موضوع فعالیت اساسی این مرحله است . ارزیابی راههای مختلف برای رسیدن به هر یک از هدفها و تعیین میزان منابع مورد نیاز برای هر کدام باید در این مرحله انجام شود . راههای جدیدی نیز در این مرحله باید ابداع و ارزیابی گردد .

برای اینکه به بهترین وجهی راههای مختلف نیل به هدفها را ارزیابی کنیم سازمان موجود و نقاط قدرت و ضعف آنرا باید خوب به فهمیم ، در این مرحله باید مدتی (۱) از سازمان موجود ارتباطش با محیط داخلی و خارجی آن بسازیم و از این طریق به شناخت و درک آن

(۱) منظور از "مدل" تصور انتزاعی ABSTRACTION از واقعیت و روابط موجود بین اجزاء مختلف آن است . بجای کلمه "مدل" می توان تئوری یا نظریه را نیز مورد استفاده قرار داد . ولی از آنجائیکه تاکید مقاله حاضر بیشتر روی عمل است کلمه مدل متناسبتر تشخیص داده ←

نائل شویم . ساختن چنین مدلی بطور کلی و کامل امکان پذیر نیست ولی در صورتیکه این عمل بطور دسته جمعی و با کمک کسانی که با سازمان آشنائی دارند و یا نحوه کار آنرا میدانند ، بعمل آید ، تا حد کافی جواب گوی نیاز این مرحله از کار خواهد بود .

این مدل باید ما را قادر سازد تا سازمان را بلحاظ نحوه ای که از طرف محیط تغذیه میشود ، سیستم نفوذ آن در دنیای خارج ، افراد و سازمان هائیکه مورد تاثیر مستقیم فعالیت آن قرار میگیرند ، رقبا و مخالفین آن و بطور کلی محیط داخل و خارج آن ، درک کنیم .

→ شد . رفتار و یا عملکرد هر سازمانی بستگی به عوامل یا متغییر های گوناگونی دارد که میتوان آنها را بدو دسته کلی تقسیم کرد . متغیرهای قابل کنترل و متغیرهای غیر قابل کنترل ، مدل چنیین سازمانی عبارت از بیان روابط بین نحوه رفتار و یا عملکرد آن و متغییر های قابل کنترل و غیر کنترل است .

فایده یک مدل جامع از سازمان و محیط آن راههای مسئولین و -  
اعضاء آن در چگونه تغییر دادن متغییرهای قابل تغییر برای حصول عملکرد مطلوب سازمان میباشد . چنین مدل دارای تمام خصوصیات "واقعیت" نیست ، بلکه فقط نماینده ای از خصوصیات که مربوط به مقصود مسئولین و اعضا سازمان است میباشد . برای دست یافتن بیک مدل واقعی سازمان معمولاً کار از یک مدل ساده ای که سعی میکند ←



هرچه قدر این روابط را بهتر فهمیم راههای ممکن را بهتر میتوانیم ارزیابی کنیم . محدودیت های موهوم خود ساخته را برای رسیدن به راههای جدید باید تا سرحد امکان در این مرحله بدور انداخت . در طی این مرحله است که راه رسیدن به نریك از هدفها و سیاستهائی که باید در طی هر يك از راهها رعایت شود تعیین میگردد .

#### ۶ - منابع مورد نیاز

منابع مورد نیاز سازمان عبارت است از نیروی انسانی ، پول ، اطلاعات زمان ، تجهیزات و لوازم مصرفی و غیر مصرفی . میزان احتیاج هر يك از منابع مورد نیاز برای راه حل انتخاب شده باید دقیق تر تخمین زده شود پس از این تخمین میزان منابعی که در شرایط موجود درد سترس سازمان میباشد باید محاسبه و تعیین شود . آنگاه شکاف بین منابع مورد نیاز و منابع موجود باید تخمین زده شود و نحوه تامین آن تعیین گردد . در اینجادر حالت ممکن است پیش آید ، یا اینکه منابع موجود بسیار

---

→ مهمترین متغیرها را دربرگیرد شروع میشود . براساس این مدل راه حل هائی برای عملکرد سیستم ( یا نیل به هدف ) ارائه می گردد . صحت و کارآئی این راه حل ها در عمل تعیین میشود . نتیجه عمل در شناخت واقعیت و در نتیجه تکمیل مدل موثر است . مدلی که بدین ترتیب دائما در حال اصلاح ، هر روز کمک موثرتر و وسیله ای دقیق تری برای مسولین در تصمیم گیری هایشان برای نیل به عملکرد ایده ←

کم و هدف‌های تعیین شده بسیار بالا باشد و در نتیجه شکاف آنقدر زیاد و احتمال تامین منابع موجود آنقدر کم، که شاید لازم گردد هدف‌ها فعلاً اصلاح شود و با منابع موجود مطابقت داده شود. از طرفی ممکن است با برنامه ریزی لازم بتوان منابع مورد نیاز را تامین کرد. در این مرحله باید منابع موجود بفعالیت‌های مختلف تخصیص داده شود این منابع هم‌مانند ویریکه قبلاً ذکر شد شامل نیروی انسانی، زمان، پول و وسائل و لوازم میگردد.

#### ۷ - سازمان مورد نیاز

برای نیل به هدف‌ها فعالیت‌هایی باید بطور دائم و با موفقیت انجام گیرد. بر اساس اینگونه فعالیت‌ها که ناشی از راه و خط‌مشی و سیاست انتخاب شده از یکطرف و هدف‌های کوتاه مدت سازمان از طرف دیگر است، سازمان مطلوب طراحی میگردد. برای انجام هر فعالیت گروهی مسئول میشوند و با کسب اطلاعات لازم فعالیت خود را بر اساس ضوابط و معیارهای معینی انجام خواهند داد. کار هر یک از این گروه‌ها بر اساس میزان نیل به هدف‌های آن تعیین میشود.

سازمان باید دارای سیستم‌های اطلاعاتی کنترل و تصمیم‌گیری مناسبی باشد تا بتواند بطور موثر نتایج تصمیمات را با آنچه که پیش‌بینی

---

→ آل سازمان میباشد و بدین ترتیب تصمیم‌گیری‌های سازمان همواره علمی تر از قبل میگردد.

شده است مقایسه کند و در صورت لزوم اقدامات اصلاحی  
مناسبی بعمل آورد .

### ۳ - تلاش موحد در جهت نیل به جامعه توحیدی

شرق و غرب هر دو ظاهراً طرفدار عدالت و رفاه مردمند . مطالعه  
قانون اساسی شوروی ، و بیانییه آزادی و قانون اساسی آمریکا هر  
دو از مدافعین پایرجای این هدفهای با ارزش میباشند . ولی با وجود  
این عملاً میزان ظلم و فقر ، فساد ، تجاوز ، کفر ، آلودگی ( اخلاقی ،  
طبیعی ، سیاسی ، هنری ) دارای چنان شدت است و با چنان  
سرعتی در حال گسترش و افزایش است که ادامه آن بوضوح نشان خواهد  
داد که با گنجینیدن هدفهای متعالی چون عدالت و صلح و آزادی در  
منشورها و بیانییه ها نمیتوان جامعه « هماهنگه ، سالم و مطلوب انسانرا »  
فراهم آورد . بعبارت دیگر مفاهیمی مانند عدالت و صلح و آزادی هر  
چند برای برقراری نظام اجتماعی مطلوب لازمست ، ولی کافی نیست  
موحدین مومن باللهام از آیات وحی و با تغییر هر چه جامع تر آیات  
بر اساس یک متد علمی ، نه تنها باید مشخصات جامعه « توحیدی » را  
هر روز دقیق تر تعریف و بیان دارند ، بلکه باید راههای پیشرفت را به  
طرف جامعه ایده آل توحیدی دائماً کشف و ارزیابی کنند و در پدید  
آوردن راههای جدید ، در چهارچوب « شریعت » ، خلایقیت ذاتی

آدمی راه مقصد ظهور برسانند .

هر چند راجع به جامعه<sup>۶</sup> توحیدی و راه های نیل بآن بطور کلی  
 محققین مبتکر زمان حاضر مطالبی مطرح کرده اند ، ولی برای اتحاد -  
 استراتژی که جریان پیشرفت را فعالانه و با سرعت مطلوب امکان پذیر  
 سازد ، نه تنها احتیاج به جمع آوری کامل و ترکیب و ادغام نظرات منتشر  
 شده است ، بلکه تعریف دقیق ایده آل (جامعه توحیدی) و راههای  
 رسیدن بآن تحت شرایط مختلف نیز باید بوسیله یک نظام برنامه ریزی  
 اسلامی دائمی توسط مسلمانان موحد و مومن دنبال شود و حرکت امت در  
 مسیر پایان خود بطرف حقیقت و خوبی ، زیبایی و نعمت ادامه یابد .  
 انشاء الله سعی میکنیم در قیه این مقاله نظر و مفاهیم مترقی  
 اسلام را در ارتباط با ساختن جامعه و دنیای بهتر و بطور کلی برنامه ریزی  
 مطرح کرده راه را برای قدمهای بعدی در این جهت هموارتر نمائیم .



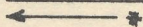
۱ - ۳ نظری به مشخصات برنامه ریزی موحد در راه شا ختن جامعه  
توحیدی

خداوند در زمین خلیفه و جانشین خلق کرد و قدرت درک علائم را به  
اوداد . امانت را با او سپرد ، روح خود را با او مید و با وجود همه این صفات  
او را ز بهشت بیرون کرد . گویا لیاقت و ظرفیت لازم را برای درک بهشت  
کسب نکرده بود و مهمتر اینکه او را با قصد اقامت و زندگی در زمین آفرید و  
اگر هم ابتدا او را در بهشت جا موقتی بود .

بایستی با صفات و استعداد های که با عرض شده بود (عقل و دانش  
و اختیار . . .) راه خود را بطرف بهشت ، با پای خود ، و با راهنمایی او  
طی کند و در این راه سخت بکوشد به میزان کوشش و سعی ای که هوشیارانه  
و مبتکرانه بصورت عمل صالح انجام داده و دانشی که بدین صورت کسب  
کرده است راه طولانی خود را بطرف ایده آل بهشت طی کند .

این راه را چگونه میباید طی میکند ؟ بر اساس قرآن آنرا وسیله  
ایمان میباید و با انجام عمل صالح ، و تعقیب حقیقت طی میکند و میداند  
عبور از این راه مگر با وقوف به عامل زمان صرف وقت و با صبر و شکیبائی و متانت  
عملی نیست . اینرا خوب میدانند که گذرا از این راه بطور عجلانه ممکن  
نمیباشد . چون راهی است که ضمن ساختنش با عمل خود از آن عبور  
میکند و معیار سنجش آن نه تنها حرکت او بسوی خداست ، بلکه اثر آن  
در حرکت دیگران در این جهت نیز میباشد ، و ساختن چنین راهی نه  
شبانه و باد استپا چگی امکان پذیر است و نه بتنهائی راحت . نه فقط

باید مقصد را دقیق تر بشناسد و تعیین و تعریف کند بلکه راه وصول بآنرا نیز با توجه بشرايط و نیازهای جامعه ائمه در آن میزید لازم است طراحی کند . این تعریف و طراحی دائمی جریان از اعمال صالحی را بوجود میآورد که حرکت مطلوب انسان را در جهت بهشت و خداوند میسر میسازد آیا این فعالیت دائمی<sup>۱</sup> میتواند نامی جز برنامه ریزی بگذارید ؟ چنین انسانی ساختن آینده اش را در زمین وظیفه مسولیت خود میدانند زیرا خلافت و امانت را پذیرفته است . خود را بزرگترین عامل رشد یا رکود می داند همانقدر که آرزو میکند بعمل هم دست میزند ، همانقدر که به هدف و آرزو و عشق او نامتناهی است و هر چه پیش میرود ، افق های دورتری را میبیند ، بتجربه و دانش پدران و گذشتگان تکافون میکند ، بلکه خود ، علاوه بر آن ، فعالانه دست بتجربه و عمل میزند برای نزدیک شدن به حقیقت علاوه بر یادآوری دائمی خود (ذکر) و جلوگیری از انحراف (تقوا) ، آگاهانه میکوشد تا راه حل های محسوس ، عینی و قابل تجزیه که منطبق بر دانش و ستاورد های سابق نیز استوار باشد را بکار بندد . حقیقت برای او فقط بصورت مجرد و ذهنی وجود ندارد بلکه ابعاد عینی آن را در جریان عمل صالح قابل حصول میداند ، و عمل صالح را پیوستن و هماهنگ نمودن<sup>۲</sup> وحدت بخشیدن بین اجزاء و عناصری می داند که " باید " در حقیقت چنین باشد ولی نیستند ، و خداوند رسالت او را از روی اختیار در بهم پیوستن آن ها قرار داده است و عمل صالح \*



مستلزم تحقیق و تصمیم قبلی یعنی برنامه ریزی است .  
 برای انسانی که دارای بینش اسلامی است و روح و معنی اسلام را می  
 فهمد ، درمان موضعی درد کافی نیست . او وجود هر دردی را با توجه به  
 ارتباط آن با سایر اجزاء بررسی میکند و برای حل آن نه تنها به تغییراتی  
 که مستقیماً در عضو متالم باید بوجود آید توجه میکند ، بلکه تغییراتی که در  
 نظام دربرگیرنده ی آن باید ایجاد شود را نیز مورد دقت <sup>قرار</sup> میدهد ، عبارت  
 دیگر برای حل این مسئله تحت حیطة کنترل خود ، به سیستم های دیگری  
 که تحت نظارت و اختیار او نیستند ولی در ایجاد مسئله موثرند توجه می  
 کند و ایجاد تغییرات اساسی در آنها را نیز همان شدت لازم میسرود .  
 بنابراین حل هر مسئله در قالب زندگی انسان صورت میپذیرد و بطور  
 مستقیم یا غیرمستقیم باعث طراحی کل آن میگردد . در نتیجه کل دنیا ی  
 ما از آن متأثر میشود ، یعنی دامنه برنامه او اجزاء سیستم مورد نظر  
 و سیستم های بزرگتر و دربرگیرنده آن است .

زمان مورد نظر برنامه ریزی مسلمان محدود بدوره کوتاه تصدی  
 یا ریاست او نیست . دوره ارزیابی او مانند شرکتها و موسسات تجاری بر  
 اساس سود سالیانه در پایان هر سال نیست . در ضمن اینکه هر لحظه  
 باعمال خود آگاهی و نظارت دارد و هر آن مورد آزمایش است ، افق زمانی

---

→ درباره عمل صالح و معنای آن بلحاظ اسلام جادارد ، که  
 تحقیقی شده و جداگانه بحث شود .





الجماعه ( دست خدا با اجتماع است ) . شرکت در جریان برنامه ریزی خود باعث یادگیری و افزایش علم کسانی است که برای یافتن هدف و نیل به آن علاقمند و نگرانند . بنا بر این حاصل برنامه ریزی از نظر اوقفت فقیه و یا برنامه معینی که فعالیت ها و زمان و منابع مورد نیاز و مسئولین هر یک را مشخص کند نیست بلکه جریان آموزشی مستمری است که موجب تکامل فردی اعضا و اجتماع می گردد .

از آنجا که هر یک از اعضا اجتماع به حکم انسلن بودنش مسؤل است و این مسؤلیت را نمی تواند به دیگری تفویض کند بنابراین هر یک از اعضا جامعه اسلامی مسؤل تنظیم و اراخی زندگی خود می باشد در حقیقت مهمترین چیزی را که هر کس در زندگی میسازد یا طرح می کند زندگی خودش است به عبارت دیگر برنامه ریزی زندگی یک مؤمن مهمترین عمل او در زندگی است چه هنگامیکه حیاتش پایان می رسد فقط بر اساس آنچه در این دوره از خود ساخته است ارزیابی می شود ولی از آنجایی که در بطن اجتماع زندگی می کند و اسلام نیز روی این همبستگی اجتماعی بسیار مقرر است برنامه زندگی خود را می بایست با توجه به نیازهای اساسی اجتماع خود و در ارتباط با برنامه دیگران تنظیم کند و چون کسب اطلاع از نیازهای جامعه و نقش دیگران در جهت ارضای این خواست ها برای تعریف مقرر هر یک از اعضا لازم است بنابراین جامعه اسلامی باید دارای یک سیستم برنامه ریزی مناسب برای تسهیل جریان اطلاعاتی و

راه‌نمایی اعضا خود باشد نقش دانشمندان و حکما و رهبران امت در هر مرحله از حیات بالارونده جامعه متجلی ساختن هدف‌های متعالی در جهت کمال انسانی و نزدیکی به خداوند است بنابراین نقش رهبری جامعه برنامه ریزی حرکت جامعه و تسهیل جریان برنامه ریزی با مشارکت حقیقی مردم در کلیه فعالیت‌های اجتماع است هماهنگی بین فعالیت‌های گوناگون اجتماع مهمتر از حسن انجام تک‌تک ولی‌ها هماغذرت فعالیت‌ها است رهبران و برنامه ریزان جامعه باید نسبت به احوال اجتماع بصیرت داشته باشند بطوری که تاثیرات این فعالیت‌ها را بتوانند در برنامه‌ها و فعالیت‌های دیگر تشخیص داده و پیش‌بینی کنند و اقدامات لازم را برای حرکت هماهنگ امت بجا آورند برای اینکه این عمل بمهمترین وجهی صورت گیرد رهبران و برنامه ریزان جامعه علاوه بر عدالت و تعهد اخلاقی در مقابل مردم باید دارای دانش و بینش وسیع و چند جانبه باشند و از این رو است که اسلام نه تنها عدالت بلکه علم و دانش را شرط امامت و رهبری امت می‌داند و به همین دلیل است که فلاسفه و دانشمندان برنامه ریزی هر روز نقش مهمتری را در طرح دنیای آینده برای خود مثل هده می‌کنند و سیاست‌بازان که انجام این وظیفه را به دروغ در اختیار گرفته اند موفقیت خود را تهدید شده می‌یابند معلوم نیست که نقش سیاست‌بازان امروزی حتی در جوامع اصطلاح دموکراتیک در صورتیکه نقش حقیقی برنامه ریزان برای مردم روشن گردد



چه خواهد بود بنظر میآید که هیچ !

مؤمن متعهد در يك جریان دایمی برنامه ریزی قرار دارد برنامه ریزی برای او کاری نیست که گاه و بیگاه به آن بپردازد فعالیتی نیست که بصورت تشریفاتی سالی يك با ر برنامه و بودجه ای برای سال بعد تنظیم کند سپس آنرا در قفسه گزارشات به نمایش گذارد و در عمل خلاف آن عمل کند و یا بطور کلی بدون ارتباط بآن برنامه تصمیم بگیرد و اقدام کند برنامه ریزی مؤمن متعهد عملی است همیشگی در متن کلیه فعالیت ها پیش آنقدر که به برنامه ریزی اهمیت می دهد به خود "برنامه" ارجحی نمی گذارد جامعه را دایما در حال تحول می بیند و خود را یکی از عوامل تحول می داند که دایما در پی شناختن تغییرات و هماهنگ کردن خود و سایر اعضا با این تحولات است او می داند که خداوند در درون جامعه و از ورای آن هر لحظه و ساعت و روز پدیده ای نو و باشکوه نشان می دهد.

الرحمان ۲۹ - یَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ مِنْ هُوَ فِي شَأْنٍ  
 (هر چه در زمین و آسمان است نیازهای خود را از او می طلبند . و او هر روز کارشگفتی است) .

در پایان ما لیم به مفهوم " صبر " عمل صالح و رابطه آن ها با برنامه ریزی توجه کرده نشان دهیم که همگی اجزای تشکیل دهنده جریان انقلاب تکاملی اسلامند . نزدیک شدن به ایده آل اسلام " الله متلزم سعی و کوشش دایمی انسان است . این تلاش دایمی احتیاج به درک عمیق بعد زمان در دنبال کردن ایده آل و هدف های بلند مدت

عمیق بعد زمان در دنبال کردن ایده آل دارد . ایده آل و هدف های بلند مدت بلند از یک طرف و در یک بعد زمان از طرف دیگر در مفهوم "صبر" متجلی است .

قرآن در حدود ۷۵ بار کلمه "صبر" را بکار می برد و اکثراً آن را به معنی فعالیت مداوم و پیرشکیب و استوار و پرتحمل در راه رسیدن به هدف ملاحظه می گردد . حتی عمل صبر کردن را بدون دانش کامل نسبت به هدف امری غیر ممکن می داند . مثلاً در گفتگوی حضرت خضر (ع) و موسی (ع) می بینیم که حضرت (ع) می گوید :

۱۸- وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَقْدَ تُحِيطُ بِهِ خُبْرًا .

( و چگونه می توانی نسبت به چیزی که آنرا بطور کامل نمی فهمی صبر و شکیبایی داشته باشی ) .

باتوجه به رابطه زمان و برنامه ریزی که قبلاً مطرح شد و ارتباط کلمه صبر با زمان و مداومت و مقاومت در راه رسیدن به هدف جایگاه برنامه ریزی در جهان بینی اسلامی روشن تر می شود . و اسلامی بودن "برنامه ریزی" مشخص تر می گردد . آیات متعدد قرآن (۱) تأییدی است برای معنی مثبت مترقی صبر بعنوان یکی از مهمترین عوامل در نیل به هدف .

---

(۱) بقره (۴۲) ۱۴۸، ۲۵۱، ۵، ۴۲ (یوسف) (۸۳، ۱۸) شوری (۴۱) ←

روی نقش برنامه ریزی در شکل دادن به آینده به اندازه کافی تأکید کردیم . لازم است تأکید کنیم که نیل به هدف برنامه ریز امر مسلمی نیست و فقط امری است احتمالی . به لحاظ اسلامی مالاخواست خداوند است که نیل به هدف را امکان پذیر می کند . دلیل آن هم وجود عوامل و متغیرهای خارج از حیطه کنترل برنامه ریزی است . در مورد این عوامل توکل به خداوند لازم است و خواست او تعیین کننده می باشد ولی از طرف دیگر خواست خداوند هم همانطور که خو گفته است خارج از مئیت و تقدیر و قانون او نیست و آیه معروفان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینغیر ما بانفسهم " نیز تایید کننده این نکته است .

یکی دیگر از نکاتی که هماهنگی برنامه ریزی و اسلام را نشان می دهد موضوع "فساد" در زمین است . متخصصین بنام برنامه ریزی یکی از مهم ترین دلایل برنامه ریزی را جلوگیری از فساد هر چه بیشتر محیط زیست انسان می دانند

ECOLOGICAL IMBALANCE

→ بقیه از صفه قبل - اضعاف ( ۳۴ ) عصر ( ۳ ) اعراف ( ۱۲۳ )  
 كهف ( ۸۱۵۷۶۷۴۶۷۱۵۶۶۶ ) مارج ( ۵ ) رعد ( ۲۴ ) ابراهیم  
 ( ۲۴ ) فرقان ( ۷۵۶۴۴ ) انعام ( ۳۶ ) اعراف ( ۱۳۳ ) رعد ( ۲۳ )  
 مومنون ( ۱۱۳ ) قصص ( ۵۴ ) . . . . .



اگر عمل صالح را در مقابل عمل فاسد بگیریم میبینیم که قرآن چقدر روی عمل صالح تأکید و بر عکس عمل فاسد را منکوب کرده است .  
اگر فساد را پاره کردن رشته های طبیعی بین اجزاء حیات و اجتماع بدانیم که ادامه آن منجر به عدم تعادل محیط زیست میگردد و عمل صالح را برقرار کردن روابط گسیخته شده و یا ایجاد روابطی که در حقیقت باید بوجود آید ولی هنوز بدست بشر صورت نگرفته است بدانیم متوجه میشویم که قرآن یکی از بزرگترین و مهمترین کتابهایی است که برنامه ریزی را تشویق کرده است .

اثرات عمل صالح را در همین دنیا و انعکاس آنرا در فراهم

آوردن زندگی بهتر سراغ داده است .

نحل ۹۷ - مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ -  
حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ .

( هر کس عمل صالح انجام دهد (یعنی از روی هدف و برنامه کار کند ) اگر مومن باشد به او زندگی جدیدی میدهم زندگی خالص و خوبی و پاداش آنها را مطابق با بهترین عملشان میدهم . .

و در آیات قبلی آن (نحل ۹۵، ۹۶) تأکید روی کلمه عهد انسان مومن با خادوند و ارزش والای آن که هدف و ایده آل برنامه را تشکیل میدهد و صبر که بعد زمانی لازم برای طی راه به سوی پروردگار میباشد و انجام عمل نیکو است و پاداش این افراد را مطابق



با بهترین عملشان میدانند

(نحل - ۹۵) مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ .

(آنچه باشما است از بین میرود و آنچه که با خداست باقی میماند و ما آنها را که صبر میکنند با شکیبایی برای رسیدن به هدف میگویند و کار میکنند مطابق با بهترین عملشان یا داور میدهیم) .  
عنکبوت ۶۹ - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا مِنَّا وَلَمْ يَلْمُوا إِلَهُنَّ وَأَنَّهُ لَمَعَ الْفُحْشِينَ .

(و کسانی که در راه ما می‌کوشند را مطمئناً راهنمایی می‌کنیم و مطمئناً خداوند با کسانی است که خوب <sup>عمل</sup> انجام می‌دهند) .

بدون صبر (کوشش) آگاهانه در راه هدف طی زمان (انجام عمل صالح غیر ممکن میدانند) (نحل ۸۰) و فایده عمل صالح را مکتوبات روحی حاصل از آن ورشد و تکامل آدمی می‌داند (سوره حم السجده - ۴۶) و این چیزی جز منطبق اساسی برنامه ریزی از نقطه نظر متخصصین برنامه ریزی نیست . فلودی (FLAUDI) در کتاب معروف نظریه برنامه ریزی (THEORY OF PLANNING) منظور نمایی برنامه ریزی را رشد و تکامل انسان میدانند .  
قرآن در باره برنامه ریزی عملی نیز توجه دارد بررسی آن و روشن نمودن مراحل و قسمتهای مختلف کار را قبل از شروع به آن سفارشی کند .

نساء ۹۴ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَبُوا...  
 (ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامیکه در راه خدا حرکت میکنید دقیقاً  
 بررسی کنید و جزئیات کار را روشن کنید (۰۰۰۰۰۰).  
 روح برنامه‌ریزی در اعمال اسلامی مخصوصاً در اکثر عبارات بوضوح  
 مشاهده میشود مثلاً در امر حج سلسله عملیات سمبلیک مربوط به رمی  
 حجرات دارای روح تدارک و برنامه‌ریزی است. در شب تاریک مشعر  
 هر کس باید بفکر آماده کردن خود برای مقابله با سه بت که مظهر  
 ابلیس‌اید باشد در شب تاریک باید با دقت منابع لازم را برای حمله به  
 بت‌ها آماده کند

بطور سمبلیک حجره یا سنگریزه‌هایی باندازه و خصوصیات معینی با  
 پیدا کند تا فردا جنگ خود را با موفقیت در منی به اتمام برساند  
 در منی ۷۰ بار دشمن را هدف حمله قرارکند (۱).  
 اسلام دنیا را مزرعه آخرت میدانند و بدیهی است که آباد ساختن  
 مزرعه از نقطه نظر انسانی (و اسلامی) امری صحیح و ممالح است و  
 بهره برداری از این مزرعه و پاک و منظم و سبز و خرم نگاه داشتن و  
 سعی در بهبود آن نه تنها زندگی دنیا بلکه زندگی آینده را نیز  
 میسازد و آبیاری میکند و تکامل می‌بخشد و امروز بوضوح مشاهده میشود که  
 ساختن و آباد کردن متعادل کره زمین بطوریکه از منابع آن بهترین  
 استفاده بعمل آید و میزان ضایعات و اتلافات به حداقل برسد و رشد  
 و گسترش بلند مدت حاصل شود جز از طریق برنامه‌های بلند مدت و همه





جانبه که روابط بین اجزا و بخش‌های مختلف اقتصاد سیاست تکوینی و دانش و فرهنگ مردم کره زمین را در نظر گیرد امکان پذیر نخواهد بود انسان برای بقای خود روی زمین باید از فساد روز افزونی که در آن بر پا میکند بوسیله حکمت و دور اندیشی بر نامه ریزی اقدام کند فقط اینگونه مردمند که با عمل صالح خود زمین را بارش خواهند برد .

أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء - ۱۰۵)

(کسانیکه عمل صالح میکنند زمین را به ارث خواهند برد .)

مهمترین عوامل لازم در برنامه ریزی موفقیت آمیز عبادت است از وجود هدف تشخیص صحیح ترین و کوتاهترین راه به هدف (راه مستقیم) وجود منابع لازم سازمان دادن به منابع و نهایتا عمل . هر چه بعد زمانی و مکانی برنامه طولانی و وسیع تر باشد منافع آن در حرکت تکاملی انسان افزونتر است . و هر چه بیشتر به منابع کوتاه مدت و محدود تر توجه شود نتایج آن مصیبت بارتر و آینده تاریک تر خواهد بود . از یک نظر برنامه میتواند فقط محدود به یکی از خواسته های یک فرد گردد (مثلا قدرت) که نتیجه آن تسلیم به "هوی" و سلطه شیطان و استبداد است و از طرف دیگر قادر است منافع و نیازهای کلیه افراد را در کل دامنه زمان در نظر گیرد که در چنین حالتی مالا منتهی به ایجاد جامعه و حکومت توحیدی جهان میشود .

در اسلام با قبول خداوند به عنوان بالاترین معبود و ایده آل و هدف که بوجود آورنده کلیه ایده الهای دیگر بشری است و با تاکید بر

استعدادهای انسان . تفکر و خلاقیت و آگاهی و هوشیاری و اصرار  
 بر عمل صالح برای کامل کردن خلقت خویش و جامعه انسانی بر نامه  
 ریزی را در متن زندگی مسلمان مومن قرار میدهد .

وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ  
 تَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَتَوَصَّوْا بِالنَّبِيِّهِ

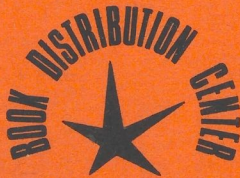
وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ





ULB Halle  
008 921 89X

3



دفتر کتاب

P.O. Box 22933 Houston Tx. 77027

21

WA

1778

بها

فروردین ماه ۱۳۵۶





نصر

طرح